

مطالعه آئین ازدواج در دو حماسه جهانی شاهنامه و رامایانا

ندا رجبی منصور*

دانش جوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانش گاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

حمیدرضا شایگان**

دانش یار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانش گاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسؤل)

مهر انگیز اوحدی***

دانش یار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانش گاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۱۳

چکیده

ازدواج از موضوعات بحث برانگیز در آثار حماسی جهان است. ازدواج در آثار حماسی دارای فرجامی خوش و گاهاً غم انگیز است که موجب شورش، جنگ و خونریزی، نابودی پادشاهان می گردد. ازدواج سنگ بنای هر جامعه ای است که تأمین کننده نیازهای روانی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی انسان است و در عین حال یک پدیده فرهنگی است که نزد هر ملتی رنگ خاصی به خود گرفته است. پژوهش حاضر با روی کردی توصیفی - تحلیلی و خوانشی تطبیقی به روش آمریکایی به بررسی بن مایه ها و آیین ازدواج در شاهنامه و رامایانا پرداخته است. با توجه به اهمیت نتیجه اسطوره ها و حماسه ها در دنیای کنونی و انتقال آداب و رسوم و فرهنگ هر جامعه ای، ضرورت این پژوهش احساس شد. حاصل از این پژوهش دست یابی به بن مایه های همانند آزمون ازدواج، آداب و رسوم ازدواج، پیشگامی و آزادی دختر در ازدواج و برون مرز همسری است. در شاهنامه بسامد برون مرز همسری بیشتر از رامایانا مشهود است که

* Nedarajabi62@gmail.com

** h_sheygafar@iautnb.ac.ir

*** M_owhadi@iautnb.ac.ir

همین امر باعث سفر و جستجوی پهلوانان شده است. در واقع آئین ازدواج در ایران با توجه به نوع آن موقتی یا پایدار بودن آن شامل رسومات مختلفی است. و در فرهنگ مردم هند بیشتر با آئین‌های مذهبی همراه است. به طور کلی بن‌مایه‌ها و اساس اولیه ازدواج در شاهنامه و رامایانا دارای وجوه مشترک و متفاوتی است که در میان آن برون مرز همسری و آزمون ازدواج دارای اشتراکات فراوانی در این دو فرهنگ است. هر دو فرهنگ تلاش داشته‌اند تا هدف از سفرهای پهلوانان خود را توجیه کنند و از جانب دیگر بر انتخاب همسر توسط زن اصرار داشته‌اند.

کلید واژگان: ازدواج، آزمون ازدواج، فرهنگ، شاهنامه، رامایانا.



۱. مقدمه

تحقیق در فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی و اخلاقی هر کشور و ملّتی با مطالعه در فرهنگ پیشینیان آن‌ها مقدور است، که یکی از منابع برای تحقیق و بررسی، ادبیات آن ملّت است. تلاش امروز ملّت‌های بزرگ و متمدّن، بازشناسی، و بازخوانی و بازسازی آثار فرهنگی مکتوب و غیرمکتوب تاریخی است. قطعاً تنها و شاید یکی از منابع برای شناخت آداب و رسوم، تفکر و فرهنگ یک قوم، متون ادبی آن سرزمین است که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به مسائل اجتماعی و خصایص فرهنگی مردم در دوره‌های مختلف می‌پردازد. امروزه با گذر زمان، و تغییر در الگوی ازدواج و همسرگزینی، میان ارزش‌های والدین و فرزندان برای انتخاب همسر تفاوت و گاه تضادهای آشتی‌ناپذیری بروز کرده‌است؛ بنابراین هرگاه والدین بدون توجه به این تفاوت‌ها و تضادها فرزندان را وادار به ازدواج‌هایی نمایند که به‌طور سنتی در جامعه ایران مرسوم بوده‌است، به‌احتمال زیاد نتایج ناگواری به‌بار خواهد آورد. ردیابی و آسیب‌شناسی موضوع دخالت والدین در ازدواج فرزندان به‌تنهایی از عهده مطالعات اجتماعی و خانواده‌پژوهی خارج است؛ زیرا موضوع ازدواج و دخالت والدین در انتخاب همسر یک مسأله فرهنگی است و فرهنگ هر ملت ریشه در تاریخ و ادبیات مردم آن سرزمین دارد. لذا مطالعات اجتماعی نیازمند تاریخ و ادبیات می‌شود تا بتواند به متونی مراجعه کند که به نوعی تاریخ و فرهنگ گذشته مردم را در خود منعکس نموده باشد (دلآوری و هم‌کاران، ۱۴۰۱: ۱۵۴).

در باورهای مذهبی اقوام هند و اروپایی، قرینه‌های فراوانی را می‌توان یافت که بر اهمیت عهد و پیمان و جایگاه مذهبی و اجتماعی آن تأکید دارد؛ آیین میترائیسم سرشار از مفاهیمی است که بر عهد و پیمان دلالت می‌کند؛ مهر یا میترا خدای پیمان بوده است و رشته پیوند دهنده گروه‌های اجتماعی است که نظم و بقای جامعه بر آن‌ها استوار است. ایرانیان باستان کشور خود را سرزمین «پیمان» می‌دانستند. پیمان، نگه‌دارنده ساختار جامعه و جلوگیری‌کننده از هرج‌ومرج و بی‌نظمی است: «در گذشته‌های دور سازمان اجتماعی پیچیده‌ای در ایران وجود داشته و نظامی بر مبنای یک جامعه مهرآیین و پیوندهای اجتماعی بر آن حاکم بوده است (دشتی و رضایی، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

شاهنامه، یک متن داستانی بلند مبتنی بر وجوه متنوع اساطیری، حماسی، غنایی، دراماتیک و تراژیک و دربرگیرنده مجموعه‌ای از داستان‌هاست که در آن انسان در چهره‌های گوناگون نمود پیدا می‌کند (صادقی، ۱۳۹۸: ۱۹۷). برخی از پژوهشگران براین باورند که «در باره ویژگی‌های ازدواج و پیامدهای اجتماعی آن در ایران دوران گذشته، اطلاعات چندانی وجود ندارد و منابع موجود در این زمینه در حد خاطرات، زندگی‌نامه و نوشته‌های بزرگان و افراد

خانواده‌های سرشناس درباری و کتاب‌ها و سفرنامه‌های جهان‌گردان خارجی است و منابع دیگری در دست نیست. گذشته از بیان جایگاه و نقش زنان در داستان‌های شاهنامه بیشتر باید به مؤثر بودن نقش زنان اشاره نمود. به نظر می‌رسد، فردوسی برای چشم‌نوازی و گیرا بودن داستان‌های پهلوانیش، حضور زنانی را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ضروری می‌داند. او برای پررنگ کردن نقش پهلوانان در حکایت‌ها، حضور زنان را لازم می‌داند تا بتواند شایستگی‌های پهلوانی را به نمایش بگذارد و ویژگی‌هایی همانند خردورزی، دانایی، نیرنگ‌سازی و توان بالای جسمی. عبارتی همه زنان بیگانه‌ای که با سرداران ایرانی ازدواج می‌کنند از همه صفات عالی انسانی و کمالات برخوردارند به جز سودابه که نتوانست جانب نیکی و بزرگی را بخاطر خودرایی بودن نگه دارد (حیدری، ۱۳۹۳: ۹۸). ازدواج‌ها در شاهنامه و دیگر آثار حماسی باعث به‌وجود آمدن فراز و نشیب‌های بسیار می‌گردد. ازدواج پهلوانان و شاهان ایرانی با دختران غیرایرانی و دیگر ازدواج‌های نامتعارف گویای تفکر سنتی فرهنگ‌های مختلف است. در این پژوهش تلاش شده تا این‌گونه از تفکر و علل برجسته آن مورد بررسی قرار گیرد.

۲. بیان مسأله و سؤال تحقیق

هند و ایران با توجه به سابقه طولانی که در تبادلات مختلف داشته‌اند، توانسته از فرهنگ یکدیگر نیز تأثیر گیرند. در واقع این دو فرهنگ دارای اشتراکات و افتراق‌های زیادی هستند. شاهنامه اثر حماسی ایرانیان، رامایانا یکی از آثار مشهور حماسی هند است. با بررسی شخصیت‌های قهرمانان زن در دو اثر مذکور و کارکردهای آنان و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنان در این دو اثر حماسی، می‌توان به جایگاه و نقش زنان در فرهنگ‌های مختلف و باورهای اقوام گوناگون به مسأله ازدواج و آداب و رسوم آنان در دل اسطوره پی‌برد. سؤال اصلی تحقیق این است که آئین ازدواج و سوگواری که عموماً توسط زنان اجرا می‌شده در دو فرهنگ متفاوت چگونه بازتاب یافته و تفاوت‌های اساسی آن در شاهنامه و رامایانا کدام است؟

۳. اهداف و ضرورت تحقیق

امروزه، ضرورت و شناخت فرهنگ و تمدن خود و کشف ریشه‌های آن بر همگان آشکار است. به طوری که جزء مولفه‌های قدرت نرم محسوب می‌شود. بر این اساس کشف آشنایی این سابقه فرهنگی و پیدا کردن وجوه افتراق و اشتراکات آن با سایر ملل از ضروریاتی است که این مقاله کوشیده است، انجام دهد. هدف اصلی پژوهش بررسی نقش بن‌مایه و آئین ازدواج به عنوان عنصری از عنصر اجتماع و دیدگاه‌های اسطوره‌ای ملل مختلف به آداب و رسوم‌شان است. در این راستا در مقاله پیش‌رو آئین دو سرزمین به صورت تطبیقی با یکدیگر مقایسه شده است تا دیدگاه‌ها و باورهای فرهنگ‌های مختلف روشن گردد.



۴. روش تحقیق

برای پاسخ به سؤال اصلی مقاله به بررسی منابع موجود پرداخته و با روش توصیف مقایسه‌ای و از طریق جمع آوری اطلاعات مکتوب و مطالعه در سه حماسه مذکور به انجام تحقیق مبادرت شده است.

۵. پیشینه تحقیق

در خصوص آئین‌های ازدواج در شاهنامه مقالاتی به چاپ رسیده است. از جمله مقاله‌ای با عنوان بررسی آداب پیوند زناشویی و امور خانواده در شاهنامه فردوسی از دکتر احمد خاتمی (۱۳۸۷). و مقاله‌ای دیگر با عنوان زناشویی در شاهنامه از احمد رضا معصومی دهقی (۱۳۵۴) و آئین‌های ازدواج در ایران و شبه قاره هند از محمد مهدی توسلی (۱۳۹۷). و هم‌چنین کتابی با عنوان داغ گل سرخ و چهارده گفتار دیگر درباره اسطوره، از کتایون مزداپور (۱۳۸۳). که در بخشی از آن به بررسی انواع ازدواج برمبنای شاهنامه می‌پردازد. ایدنلو (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به بررسی چند بن‌مایه و آیین مهم ازدواج در ادب حماسی ایران در شاهنامه و هشت نمونه اثر پرداخته است. سنجری (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به بررسی تحلیل ازدواج در شاهنامه فردوسی پرداخته و تمامی ازدواج‌های شاهنامه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

اما مقالاتی که به صورت تطبیقی بین دو حماسه مذکور، آئین ازدواج و سوگواری را بررسی کند، و بررسی این نکته که چه باورها و اعتقاداتی در پس این رسومات نهفته است، تألیف نشده است.

۶. روی‌کرد نظری

۶-۱. آیین و رسوم ازدواج

۶-۱-۱. خواستگاری

خواستگاری در شاهنامه با فرهنگ و عُرف امروزه سازگاری چندانی ندارد، اما حقیقتی است از روزگار پهلوانی و آغاز پیدایش حکومت‌های نخستین که بر مدار کشاورزی و گله‌داری و نیاز به زمین‌های آباد شکل گرفته‌اند علاقه ویژه زنان به پهلوانان و نیرومندی آنان از اصول اساسی در مراسم خواستگاری است. زنان اعتقاد داشتند که همسر آنان باید قوی باشد و بتواند محافظ خانه و خانواده باشد. از آنجایی که در ایران باستان خانه و خانواده اهمیت زیادی داشته، و دوام و بقای هر خانواده وابسته به ادامه نسل و داشتن فرزندان است، لذا آرزوی نهایی هر پدر و مادر ایرانی پرورش فرزندان برومند و میهن‌دوست بود که بتواند در آینده نامبردار خانواده و حافظ و ادامه‌دهنده نام و شهرت خانواده خود باشد. «اگر مشخصه خدا آفرینش و افزایش

بخشی است، پس وظیفه دینی آدمیان کار برای افزایش آفرینش خوب از طریق کشاورزی و پیشه‌وری و ازدواج است. تجرد گناه است زیرا مانع گسترش آفرینش خوب است» (هینلز، ۱۳۶۸: ۲۰۰) آیین ازدواج در ایران باستان با آیین و تشریفات به همراه بوده است. از جمله این آیین که نخستین قدم است، آیین خواستگاری است. آیین ازدواج در دو حماسه پیش‌رو با روش‌های متفاوت انجام شده که به فرهنگ متفاوت ملت‌ها بازمی‌گردد. در شاهنامه خانواده از تصمیم‌گیرندگان اصلی هستند.

«صورت اصلی ازدواج در سراسر شاهنامه که شکل رایج و معمول به شمار می‌رود، عروسی بر اساس پیشنهاد پدر داماد یا خود او با کمک فرستاده‌ای سر می‌گرفت و پس از آن که پدران دو خانواده با ازدواج موافقت کردند، خانواده جدید با شکل پدرمکانی و پدرتباری تشکیل می‌شد. (مزدپور، ۱۳۸۳: ۱۷۱). کاوس‌شاه مردی آگاه، دانش‌پژوه و گران‌مایه، که پخته و باتجربه بود را برای خواستگاری سودابه به هاماوران می‌فرستد.

| | |
|----------------------------|--------------------------|
| گزین کرد شاه از میان گروه | یکی مرد بیدار دانش‌پژوه |
| گرانمایه و گرد و مغزش گران | بفرمود تا شد به هاماوران |

(فردوسی، ۱۳۸۶: ۱۳۱/۲)

در ماجرای ازدواج رستم و ته‌مین موبدی پره‌نر واسطه برای خواستگاری بود (همان: ۳/۱۷۶). گاهی هم این واسطه‌های ازدواج، پیام‌آور میان دختر و پسر بوده و بین آنها رابطه برقرار می‌کردند. میان زال و رودابه زنی گوینده شیرین سخن، و پنج پرستندگان رودابه پیام‌آور بودند^۱ (همان: ۱۸۲/۱). میان بیژن و منیژه دایه‌ایی میانجی و پیام‌رسان بود (همان: ۱۹/۵).

از خواستگاری‌های مرسوم در شاهنامه، خواستگاری ته‌مین از رستم است. وی برای دست‌یابی به خواسته‌های درونیش تلاش داشت تا رستم را به دست آورد.

| | |
|-------------------------------|-----------------------------|
| چن این داستان‌ها شنیدم ز تو | بسی لب به دندان گزیدم ز تو |
| بجستم همی کتف و یال و برت | بدین شهر کرد ایزد آبشخورت |
| ترا ام کنون گر بخواهی مرا | نبیند جز این مرغ و ماهی مرا |
| یکی آن که بر تو چنین گشته‌ام | خرد را ز بهر هوا کشته‌ام |
| و دیگر که از تو مگر کردگار | نشاند یکی پورم اندر کنار |
| مگر چون تو باشد به مردی و زور | سپهرش دهد بهر کیوان و هور |

(همان: ۱۲۳/۲)

خواستگاری کتابیون از گشتاسپ نیز یکی از مراسمات باستانی خواستگاری را تداعی می‌کند. در این مورد کتابیون خواب گشتاسپ را می‌بیند.



که روشن شدی کشور از آفتاب
از انبوه مردم ثریا شدی
غریبی دل آزار و فرزانه‌ایی
نشستش چون بر سر گاه شاه
وزو بستدی دسته‌ایی رنگ و بوی
(همان: ۲۰)

کتایون چنان دید یک شب به خواب
یکی انجمن مرد پیدا شدی
سر انجمن بود بیگانه‌یی
به بالای سرو به دیدار ماه
یکی دسته دادی کتایون بدوی

قدرتمند بودن در آیین هندوان نیز برای تعیین همسر برجسته بوده است. قدرت و رقابت برای به دست آوردن معشوق از مهم‌ترین تلاش‌های پهلوانان برای ازدواج در هر دو اثر حماسی است. سیتا نیز همانند شاهزادگان ایرانی بعد از آزمون زه‌کشی رام را به عنوان همسر خویش انتخاب کرد و حلقه گلی به گردن رامچندر می‌اندازد (رامایانا، مسیح: ۱۳۳).

برای نشان دادن نیرومند بودن سیتا، پدرش ماجرای تولد سیتا را بیان می‌کند و ارزش او را والا می‌داند.

به دست خویشتن کن قلبه‌رانی
به قفل زر یکی صندوق زان یافت
خجل از جلوۀ او ماند خورشید
(رامایانا: ۷۷)

که‌ای فرومانده تخت کیانی
زمین را چون به زرین قلبه بشکافت
برآمد دختری زو رشک ناهید

یا در بیت زیر در ادامه آمده است:

هنون از یاد ظاهر شد در آن روز
ز دنیا شد همین سیتا نکوکار
هویدا گشت هر میمون تنومند
(رامایانا: ۱۱۱)

هویدا شد ز آتش نیل هر روز
ز برمه‌ها جامونت آمد پدیدار
ز هر سکان چرخ آثار مانند

۲-۱-۶. کسب اجازه در ازدواج

کسب اجازه از بزرگ‌خاندان عروس و داماد بر حسب شرایط و موقعیت ازدواج متفاوت است. هر ازدواج در شاهنامه بر اساس چارچوبی برگزار می‌شد. در واقع این ازدواج‌ها بیشتر بر مبنای منافع سیاسی و یا اعلام صلح اجرا می‌شدند و اجازه خانواده‌ها از اصول لاینفک آن بود. ازدواج در هر دو اثر حماسی بر اساس منافع شخصیت‌ها و کشورها بوده است. در زیر به بعضی از این دلایل پرداخته شده است.

۱. گروهی از این عروسی‌ها که در آن کسب اجازه از بزرگ‌خاندان عروس و داماد ضرورت ندارد، ازدواج شمرده نمی‌شود. این داستان‌ها فاقد عنصر آئینی جشن ازدواج و عنصر اقتصادی جهیزیه و عنصر اجتماعی سکونت یکی از زوجین نزد دیگری است. مانند

عروسی رستم با تهمینه، سیاوش با جریره، منیژه و بیژن که اقدام عروس و زورمندی خاندان داماد که ماندگاری زوج را در دیار زن دیگرگون می‌کند. نقشمندی، اراده و انتخاب و اقدام زن در این عروسی‌ها مشخصه اصلی و ممتاز است. از جمله ازدواج کاوس و سودابه.

رسم جهیزیه نیز از رسوم دیگری است که در شاهنامه به آن اشاره شده است.

۲. در مواردی که کسب اجازه برای ازدواج ضروری است و ازدواج‌ها رسمی هستند، چند عنصر در آن‌ها وجود دارد و تحوّل در عروسی‌ها و عوامل مختلف آن دیده می‌شود. از جمله این عناصر این‌که خانواده مادرمکانی است و به عروس جهیزیه هنگفتی تعلق می‌گیرد. خانواده داماد از ازدواج ناراضی است و هرگاه رضای او جلب نشود به انتقام گرفتن از فرزند خیانتکار خود می‌پردازد مانند ازدواج زال و رودابه.

۳. ازدواج‌های حدّ واسط که ابتدا در آنها مادرمکانی وجود دارد ولی سرانجام به شکل پدرمکانی درمی‌آید. و در این تحوّل با سه وضع روبرو می‌شود. تنبیه، گریز و اعمال زور. سیاوش هنگام بازگشت به ایران دستگیر شد، انتقال کیخسرو و فرنگیس به ایران که با گریز به ایران رسیدند.

۳-۱-۶. برگزاری مهمانی برای انتخاب همسر از سوی پدر دختر

در هر اثر حماسی و به‌ویژه شاهنامه برگزاری مهمانی از مرسومات است. این امر در رامایانا نیز مشهود است ولی به اندازه شاهنامه به آن پرداخته نشده است.

قیصر روم مهمانی را ترتیب می‌دهد که همه بزرگان در آن حضور دارند و کتابیون می‌باید از میان آنها کسی را به‌عنوان همسر آینده خود برگزیند (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۲۳/۶). اما گاهی این ازدواج‌ها به دلیل مصلحت‌های سیاسی شکل می‌گرفت و زنان در آن نقشی نداشتند. نمونه آن ازدواج اسفندیار با خواهرش همای که پاداش انتقام گرفتن خون زریر بود^۲ (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۱۰۷/۶).

قیصر روم وقتی دخترانش به سنّ مناسب ازدواج می‌رسند و آن شایستگی و پختگی و کمال را در آن‌ها می‌بیند، محفلی از بزرگان و نامداران تشکیل می‌دهد تا کتابیون جفت و شوی مناسب را برگزیند (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۲۱/۶). پیران خود به سیاوش پیشنهاد می‌دهد که با دخترش جریره ازدواج کند (خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۹۳/۳). هندی‌ها بر طبق سنت و نظامات کهنی که داشتند برای خود حقوق، تکالیف و محدودیت‌های خاصی قائل بودند.



«بکارت طولانی مایه ننگ بود. ازدواج به میل افراد و بر اساس عشق آتشین صورت نمی‌گرفت، بل که مقدمات ازدواج خیلی پیش از آن که تب جنسی طغیان کند، با حزم و احتیاط به وسیله والدین فراهم می‌شد. در هند یک دختر دوازده ساله به اندازه یک دختر ۱۵ ساله آمریکایی رسیدگی دارد.» (راوندی: ۳۲۳ / ۱).

بر اساس اعتقادات هندویسیسم زنان خلق شده‌اند که وظیفه مادری را به عهده بگیرند و دختر را باید به محض رسیدن به سن مناسب ازدواج، به خانه بخت فرستاد.

اگر پدر یا قیّم دختری که به سن ازدواج رسیده تا سه سال از این مقطع، او را به خانه بخت نفرستد گناه بزرگی مرتکب شده است. و در همین حال اگر والدین دختر را در این مدت به خانه بخت نفرستد، دختر آزاد است که زوج را به دلخواه انتخاب کرده و با او ازدواج کند. (توسلی، ۱۱۸: ۱۳۹۴).

۴-۱-۶. پاکدامنی، خرد و زیبایی ویژگی زن مطلوب

از جمله خصوصیات که یک زن مطلوب و اصیل باید از آن برخوردار می‌بود، تا شایسته همسری و ازدواج باشد نژادگی، پاکدامنی، خردمندی و زیبایی است. در زاد اسپرم بند ۱۸ در مورد گزینش زن خوب آمده است، هنگامی که پدر زرتشت برای او زن خواست، زرتشت خطاب به زن گفت: «باید روی خود به من بنمایی، برای این که چهره و رخساره و رفتار او را ببیند ۱. این که چهره او دلپسند است یا نه ۲. زن از او روی برگردانید ۳. زرتشت گفت کسی که روی از من بازگیرد مرا احترام نوزد.» (محصل، ۳۰: ۱۳۶۶).

اهمیت این مسائل به روشنی نشان می‌دهد که خانواده و جایگاه آن تا چه اندازه حائز اهمیت است. فریدون به جندل می‌گوید که بر گرد گرد جهان برو و سه خواهر از یک پدر و مادر، که پری‌چهره، پاکدامن و خسروگهر هستند را برای فرزندانم پیدا کن (خالقی مطلق ۱۳۸۶: ۸۲ / ۱). پیران فرنگیس را شایسته ازدواج با سیاوش می‌بیند و به او می‌گوید، که در او زیبارویی و خردمندی و دانش را می‌بیند (همان: ۹۵/۳).

آن چه در رامایانا آورده شده تنها مجلس بزمی است که افتخار داماد گرفته شده و دیگر قوانین و چارچوبی برای آن تنظیم نشده است. البته بعد از ازدواج رام با سیتا، شهریار داشاراتا، رام را به عنوان داماد و جانشین خود تعیین می‌کند.

سیتا را به رامچندر (راما) سپرد و گفت: من خلاصه پنج عنصر، بر عصمت سیتا، گواه هستم، هیچ معصیت از او به وجود نیامده، دامن عصمت او از غبار معصیت پاک و مبرا است. (رامایانا، ۱۳۷۹: ۴۱).

۵-۱-۶. عهد و پیمان بستن

از دیگر آداب زناشویی و ازدواج، عهد و پیمان بستن و برگزاری مراسم عقد هنگام ازدواج بود. این آئین از مختصه‌های ازدواج با دوام و دائمی است. هنگام ازدواج رستم و ته‌مین و زال و رودابه، عقدی به رسم و آیین و کیش برگزار می‌کنند^۳ (همان: ۱۳۳/۱). در ازدواج سودابه و کاوس، کاوس شاه انجمنی از بخردان و موبدان می‌سازد. چون سودابه را سزاور جفت شدن با خویش دید، پیمان و عهدی بر آیین خود برگزار می‌کنند.

سزا دید سودابه را جفت خویش ببستند عهدی بر آیین و کیش
(همان: ۱۳۴/۲)

عهد و پیمان گرفتن بین دختر و پسر قبل از ازدواج هم مرسوم بود. وقتی سیندخت از دلدادگی زال و رودابه آگاه می‌شود، رودابه به مادرش می‌گوید من و آن پهلوان دست به دست هم دادیم و پیمان بستیم (همان: ۱۸۵/۱).

در هر دو اثر حماسی عهد و پیمان مشهود است با این تفاوت که در رامایانا تعریف متفاوتی از تعهد نشان داده شده که با شاهنامه بسیار متفاوت است.

۶-۱-۶. مشورت با موبدان

در امور ازدواج با موبدان و پیشوایان دینی مشورت می‌کردند^۴ (همان: ۲۳۳). قیصر هنگام ازدواج دخترش کتایون، سقف، بطریق و جاثلقیان را فرا می‌خواند تا رأی‌زنی کنند (همان: ۴۵/۶). کاوس شاه انجمنی از موبدان و بخردان تشکیل می‌دهد تا این که این ازدواج را سزاوار و بایسته می‌بینند (همان: ۱۳۴).

۷-۱-۶. هدیه فرستادن

از دیگر تشریفات قبل از عروسی، فرستادن هدیه برای دختر قبل از برپایی جشن عروسی بود. زال هدیه‌ای شامل دینار و پنج دیبای زربفت به پرستندگان رودابه می‌دهد و برای او می‌فرستد (همان: ۱۶۶/۱). وقتی سیاوش پیشنهاد ازدواج با فرنگیس را می‌پذیرد، پیران کلید گنج‌خانه را به گلشهر می‌سپارد و گلشهر هدایایی را مهیا می‌کند و برای فرنگیس می‌فرستد. هدایایی شامل زربفت و زبرجد، طوق و گوشوار و تاج پر از گوهر شاهوار (همان: ۱۹۹/۳).

۸-۱-۶. جهیزیه دادن

دیگر رسوم عروسی دادن جهیزیه به دختر بود. عروسانی که ازدواج رسمی کرده‌اند جهیزیه هنگفتی دارند. جهیزیه هدیه خانواده عروس به خانواده پسر نبود، بل که جزء دارایی عروس باقی می‌ماند. تعیین جهاز و چگونگی و مقدار آن در هنگام خواستگاری نقش مهمی را بازی



می‌کرد. زیرا هنگامی که دختری شوهر می‌کرد، دیگر هیچ گونه سهمی به عنوان ارث از پدر خود و یا از کفیل او دریافت نمی‌کرد. از این رو لازم بود که هنگام زناشویی دختر حتی‌المقدور جهاز کامل و بزرگی به همراه خود ببرد» (بارتلمه، ۱۳۳۷: ۴۸). در ازدواج زال و رودابه و ازدواج دختر شاه‌کابل و شغاد برگزاری این آیین و سنت را می‌بینیم^۵ (همان: ۲۳۳/۱). جهیزیه‌ای که شاه‌هاماوران به سودابه می‌دهد، شامل هزار اسب و استر و دینار و دیبا بود.

بیاورد پس خسرو خسته دل پرستنده سیصد عماری چهل
هزار استر و اسب و اشتر هزار ز دیبا و دینار کردند بار
(همان: ۱۳۳/۲)

جهیزیه عروس در سیاهه یا دفتری ثبت می‌شد. جهیزیه فرنگیس که بر منشوری از پرنیان ثبت کردند. منشور صد فرسنگ از سرزمین توران جزء جهیزیه فرنگیس بود که به شوهر او سپرده شد و مأمور آبادانی آن بود.

نوشتند منشور بر پرنیان همه پادشاهی به رسم کیان
(همان: ۱۰۱/۳)

پدر داماد، پشت قباله ازدواج اموالی را به نام عروس می‌کند. سام پس از دیدن رودابه، اموالی را به نام او می‌کند (همان: ۲۳۳).

۹-۱-۶. رونما دادن

پیش از آن که عروس و داماد به ازدواج هم دربیایند، پدر داماد می‌توانست روی عروس را ببیند، اما نخست باید هدیه‌ای به او می‌داد که امروزه به آن رونما می‌گویند. وقتی سام می‌خواهد روی رودابه را ببیند سیندخت به او می‌گوید:

بخندید و سیندخت را سام گفت که رودابه را چند خواهی نهفت
بدو گفت سیندخت هدیه کجاست اگر دیدن آفتابست هواست
(همان: ۲۳۲/۱)

۱۰-۱-۶. بردن عروس به خانواده داماد

بعد از برپایی مراسم جشن و عروسی که معمولاً در خانواده عروس برگزار می‌شد، داماد عروسش را به خانه خود می‌برد (همان: ۱۰۰/۳). و همین‌طور خانواده عروس و مادر عروس هم به همراه داماد می‌رفتند. مادر عروس چند روز در خانه داماد می‌ماند. در ازدواج زال و رودابه، سیندخت و مهراب به همراه دخترشان سوی سیستان رفتند. سیندخت چند روز را نزد دخترش ماند و لشکریان را به کابل فرستاد.

چو سیندخت و مهراب و پیوند خویش سوی سیستان روی کردند پیش...

پس آنگاه سیندخت آن‌جا بماند
خود و لشکرش سوی کابل براند
(همان: ۳ / ۲۳۴)

۲-۶. سکونت در سرزمین عروس

در برخی از روایات پهلوانی، طرح داستانی مکرری دیده می‌شود که بر طبق آن پهلوان در خارج از شهر و دیار خویش با دختری آشنا می‌شود و او را به زنی می‌گیرد اما پس از اقامتی بسیار کوتاه آن‌جا را ترک می‌کند و نشانه‌ای به همسر خویش می‌دهد تا پس از زادن فرزند آن را بر گیسو یا دست (بازو، مچ، انگشت و ...) کودک ببندد. عروسانی که برای آن‌ها جشن ازدواج یا جشن همسرگزینی گرفته شده، همسر مردانی شده‌اند که برای ازدواج از رود مرزی گذشته و در کشور زنان زیسته‌اند، خصیصه مادرمکانی که در این نوع ازدواج‌ها دیده می‌شود. مانند ازدواج کتایون و گشتاسب. «در مهم‌ترین داستان‌های عشقی و ازدواج‌های شاهنامه طرحی به دست می‌آید با نشانه‌هایی از خانواده زن سرور، مادرمکان و مادر نسب. در این داستان‌ها اغلب سخن از برخورد دو قوم و قبیله است و مردان ایرانی از قوم دشمن زن می‌گیرند. در این‌جا نیز مانند دیگر داستان‌های شاهنامه، اغلب جنگ محور و مدار سخن قرار است و عشق و ازدواج به رغم دشمنی و نزاع سر می‌گیرد» (مزدایور، ۱۳۸۳: ۲۷). عروسانی هم که بعداً به ایران آمده‌اند در پناه گریز و یا اعمال زور به این امر مبادرت ورزیده‌اند. مانند فرنگیس که برای نجات کیخسرو به ایران می‌گریزد. در داستان‌های عاشقانه به شکل زیستن جریبه دور از سیاوش، سکونت ته‌مینه نزد پدرش و جدا ماندن سهراب از او برای جستجوی پدر، و در داستان سودابه و منیژه به شکل محبوس شدن مرد در دیار زن نمودار می‌شود.

سکونت در سرزمین عروس برمی‌گردد به تبارخواهی مادر و تبار زن، در واقع یک زن به عنوان منشأ زاییدن انتخاب شده و این امر در داستان رامایانا بسامد کمتری دارد.

۳-۶. پیشگامی و آزادی دختر در عشق‌ورزی

مطابق بعضی گواهی‌های داستانی و حتی گاه گزارش‌های تاریخی، دختران به خواستگاری مردان می‌روند و بر آن‌ها اظهار عشق می‌کنند و آزادی و استقلال عمل آن‌ها تا حدی است که بدون آگاهی یا رضایت پدر و خانواده، شوی خویش را برمی‌گزینند و با او پیمان می‌بندند. تعیین همسر در آیین باستان از وظایف زنان بوده است. زنان از طریق آزمون‌های مختلف به انتخاب همسر می‌پرداختند. دختران حق انتخاب در ازدواج و شوهر داشتند. بنابر آرمان دین زرتشت چنان‌چه در یسنای ۵۳ قطعه ۳ آمده است پدر عروس می‌گوید: «توای پروچیست، توای جوان‌ترین دختر زرتشت، او زرتشت با پاک منشی و راستی و مزدا از برای تو، یاور دین جاماسب را برگزید. اکنون برو با خودت مشورت کن. آن‌گاه با اندیشه نیک، مقدس‌ترین کردار



پادشایی را به جای آور» (حجازی، ۱۳۸۵: ۹۵). نمونه‌هایی در شاهنامه به روشنی نشان می‌دهد که در باب ازدواج، خواست دختر به کلی نادیده گرفته نمی‌شده‌است. شاه هاماوران بعد از پیشنهاد ازدواج از سوی کاوس، نزد سودابه می‌رود و می‌گوید اکنون رأی و هوای تو چیست؟! چه گویی تو اکنون هوای تو چیست بدین کار بیدار رأی تو چیست (همان: ۱۳۳ / ۲)

منیژه و تهمینه از جمله زنان شاهنامه هستند که خود همسرشان را برمی‌گزینند و حتی در پیشنهاد ازدواج هم پیش‌قدم می‌شوند. تهمینه خود نیمه شب به خوابگاه رستم می‌آید و آرزوی همسری با او را می‌کند (همان: ۱۷۴ / ۲). حتی دختران این آزادی را داشتند که قبل از ازدواج روابط داشته باشند. بیژن و منیژه در شاهنامه قبل از پیوند و آگاه شدن افراسیاب در کاخ منیژه بودند و سه روز و سه شب در آنجا به سر بردند (همان: ۲۱ / ۵). «در میان برخی از اقوام هند و اروپایی مرسوم بوده است که زن و مرد هم‌پایه که هر دو به طبقه جنگاوران تعلق داشتند، آزادانه و پنهانی با یکدیگر پیوند می‌بستند. در این زناشویی که به شیوه پهلوانی است نیازی به دخالت پدر دختر و برگزاری مراسم دینی نبوده است» (کیا، ۱۳۷۱: ۷۷). از میان قصص شاهنامه پی می‌بریم که در ازدواج‌های شاهنامه عشق وجود دارد. اما آن‌چه مورد برانگیختن عشق می‌شود یکسان نیست. تهمینه به دلیل شنیدن آوازه هنرهای رستم به او دل باخته بود. در داستان زال و رودابه آمده است که پرستندگان رودابه از جانب بانوی خود مأمور شدند تا دل زال را به دام عشق رودابه بیندازند.

اگر دختری بدون رضایت ولی خود با مردی ازدواج کند، حقی به خانه پدر نداشته و باید در خانه شوهر به سر برد. دیگری گفته چنین عملی نسبت به دختر بی‌انصافی بوده و باید با داد با او رفتار کرد. پدر حق ندارد دختر را مجبور به ازدواج با مردی کند. (شهبازی، ۱۳۸۷: ۹۱). سیتا نیز به وسیلهٔ راون که از دیوان بود دزدیده و به لنکا برده شد. راون تصمیم داشت با سیتا ازدواج کند، ولی سیتا بسیار به رام وفادار بود و از درخواست او سر باز زد (ملا مسیح: ۲۴۴). در واقع در هر دو داستان، زنان حق انتخاب همسر را داشتند.

می‌کز بوی او موسی شد از هوش ن آن می‌کز دل ساغر زند جوش
ندانم چون کشم ساغر من مست کز آب دست ساقی رفتم از دست
(رامایانا: ۳۳)

۴-۶. آزمون ازدواج

از جمله آیین‌هایی که قبل از ازدواج از طرف خانواده دختر برگزار می‌شد، برگزاری مراسم آزمون داماد قبل از ازدواج بود. گرچه بقای نسل مهم‌ترین هدف از ازدواج بود اما مطمئناً تنها

هدف نبوده است. باید خاطر نشان کرد که ازدواج از لحاظ جنسی، رابطه دوستانه، کسب و کار و سیاست بسیار مهم بوده است. طبق اوستا دختران دم بخت از ایزدان مردی شایسته، جوان و خردمند تمنا می‌کنند. در گات‌ها سروده ۱۷ (وهیشتا ایشتی) پوروچیستا دختر زرتشت در پاسخ به امر ازدواج با جاماسب می‌گوید:

بی‌گمان او را به همسری و برابری خود برمی‌گزینم. تا آن برای پدر و مادر و سرور خانواده و آبادگران سرافرازی به شمار آید. بشود که روشنایی منش نیک به من برسد. زیرا زنی راستکار در میان مردم راستکار می‌باشم که خدای دانا به من دین بهی را برای همیشه ارزانی دارد. (جعفری، ۱۳۹۵، ۶۵).

اغلب به خاطر اهمیتی که برای برابری شأن و مقام، اصل و نسب و ثروت و دیگر ویژگی‌های اجتماعی قائل بودند، این آزمون‌ها برگزار می‌شد. در این آزمون ویژگی‌هایی چون داشتن عدل و داد، دین پاک، خوب گفتاری، روان روشن، قدرت و دلیری و جنگ‌جویی سنجیده می‌شد. این آزمون‌ها برگزار می‌شد تا شخص مورد نظر ویژگی‌های مناسب اخلاقی و جسمانی برای ورود به یک طبقه اجتماعی را داشته باشد. این آزمون‌ها که ملازم و همراه با ازدواج دیده می‌شود، به شکل‌های مختلف صورت می‌گیرد. گاهی برگزاری این آزمون از طرف پدر دختر است از جمله شاه یمن در پاسخ به خواستگاری پسران فریدون به جندل می‌گوید، ابتدا باید این سه شاه تو را ببینم و خصوصیات اخلاقی آنها را بسنجم، که اهل عدل و داد هستند یا خیر.

| | |
|-------------------------------|---------------------------|
| ببینم کشان دل پر از داد هست | بزهارشان دست گیرم بدست |
| پس آنگه سه روشن جهان بین خویش | سپارم بدیشان به آیین خویش |

(همان: ۸۷ / ۳)

تهمینه دلیل شیفتگی خود به رستم را شجاعت و دلآوری او بیان می‌کند. به رستم می‌گوید تو آن پهلوانی هستی، که از دیو و شیر و نهنگ و پلنگ نمی‌ترسی. در شب تیره تنها به توران زمین می‌روی و به تنهایی هوا را با شمشیر خود گریان می‌کنی. (همان: ۱۷۵ / ۱)

از روایات غیرایرانی در آزمون ازدواج می‌توان به مسابقه زه‌کشی اشاره کرد. مطابق شواهد داستانی شاید کهن‌ترین و مهم‌ترین آزمون ارزیابی قدرت و توان خواستگار کمان‌کشی است که احتمالاً ریشه هند و اروپایی دارد. در این شیوه معمولاً کمان بزرگ و سنگینی که به فرمان پدر دختر ساخته شده و یا از بزرگان و یلان پیشین به یادگار مانده است به خواستگار داده می‌شود تا آن را زه کند و بکشد و موفقیت در این کار، شرط ازدواج او با دختر است. در رامایانای هندی هم آزمون ازدواج با سیتا، زه کردن یا شکستن کمان سترگ و مردری مها دیو



است که غولان و پریان بسیاری از کشیدن آن در مانده‌اند. در این جا نیز رامچندر در مراسمی که به همین منظور برپا می‌شود، کمان را می‌کشد و جالب است که از فرط نیرو هم‌چون گرشاسپ در شاهنامه است (رامایانا: ۱۳۲).

گونه‌ای از زناشویی به شیوه پهلوانی سایامورا یا گزینش به اختیار خود است. همان‌گونه که از این واژه برمی‌آید زن یا مرد در گزینش همسر اختیار تام دارد. این نوع ازدواج که در بین طبقات جنگجو در میان هندیان رایج است «سویم وره» نام دارد. شکلی از ازدواج که در آن یک رقابت خاص، فرد پیروز را مشخص خواهد کرد. و برنده بی‌چون و چرا دختر را به ازدواج خود در خواهد آورد و می‌توان آن را سویم وره رقابتی نامید. و گونه دیگر آن به این صورت است که در آن دختر از میان انجمنی از خواستگاران یکی را به دلخواه به شوهری خود برمی‌گزیند و می‌توان آن را سویم وره انتخابی نامید. سویم وره یک جشن بزرگی است که در آن بازیگران، رامشگران، رقصندگان، مدیحه سرایان و کشتی‌گیران از نقاط مختلف برای شرکت در برنامه‌ها حاضر می‌شوند» (حسین زاده، ۱۳۹۵: ۳). آزمودن داماد از جمله تشریفات و مراسمات قبل از ازدواج بود. جنگ در مراسم سوینبر آزمون کمان کشیدن را برگزار می‌کند و رام در آن آزمون سربلند می‌شود و جنگ او را شایسته همسری دخترش می‌بیند (همان: ۸۰).

بعد از برگزاری مراسم آزمون و تأیید داماد، خانواده داماد نزد خانواده عروس، جهت برپایی جشن عروسی می‌آیند. راجه جسرت از شهر اوده به ترهت می‌آید (همان: ۸۲).

| | |
|--------------------------------|------------------------------|
| به من گشته است ما را جمله کارت | به دست توست ما را اختیارت |
| که رامابر من بیدل ببخشای | ز تیرت ورنه گردم خشک بر جای |
| هر آنچه آید پسند رأی پیرت | به جان و دل شوم فرمان‌پذیرت |
| به پل بستن دلت گر نیست خشنود | سپه بی‌کشتی از من بگذران زود |

(رامایانا: ۱۹۷)

۵-۶. برون مرز همسری

ازدواج شاه یا پهلوان با دخترانی بیرون از قبیله و کشور خویش اصطلاحاً قاعدهٔ برون مرز همسری / برون همسری (Exogamy) نامیده می‌شود و علت اساسی آن باز همان باور انتقال نسب و نژادگی از طریق زنان بوده است (ر.ک: فریزر، ۱۳۸۳: ۲۰۶).

تهمینه دخت شاه سمنگان و کتایون دختر قیصر روم، هر دو جفت خود را از ایران بر می‌گزینند^۷ (فردوسی، ۱۳۸۶: ۲۳ / ۶). که گاهی عامل این ازدواج برون مرزی دلدادگی، یا مصلحت‌های سیاسی و یا کشش به سوی فرد همسنگ و همسان خود است. «با توجه به پیکرهای زنانه و نقش‌هایی که انتظار می‌رود از آن الهگانی در دوران پیش از ورود اقوام آریایی

به این خطّه باشد، شاید اقوام بومی در این سرزمین ساخت خانواده زن سرور و مادر نسب و مادر مکان داشته‌اند. در این صورت شاید هنگامی که ایرانیان پدر سالار با بومیان روبرو می‌شدند، یکی از راه‌های غلبه بر ساکنان مادرسالار این خطّه ازدواج با شاه‌دختان بود» (مزدایور، ۱۳۸۳: ۲۷). در این صورت عروسان بیگانه شاهنامه از مادر رستم و دختران افراسیاب و مادر اسفندیار و... قهرمانان داستان‌های عشقی واقعی باید باشند و بنابر سنن جامعه خویش وارثان حقیقی تاج و تخت و بنابر سنن مهاجران غالب، واسطه مغتنم برای فرمانروایی همسران و پسران خویش. عشق و اجرای رام و سیتا همانند دیگر داستان‌های حماسی فارغ از هرگونه سختی نبوده است. در بیت‌های زیر می‌توان این عشق برون مرزی را مشاهده کرد که دلی سوخته و رنجور را به تصویر می‌کشد.

چنین عشقی که بازی شد مجازی است
شدم پامال ناز هر گل اندام
نخواهم عاشقی را جز تو معشوق
(رامایانا: ۳۶)

ز طفلی بازی من عشقبازی است
جوانی گشت صرف باده و جام
به پیری خوش ندارم ناز مخلوق

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در شاهنامه و در فرهنگ ایران ازدواج با رسومات و تشریفات بیشتری همراه است و هر کدام فلسفه وجودی خاص خود را دارد. این مسأله بیانگر اهمیت و ارزش نهاد خانواده در بین مردم ایران است. به همین دلیل انتخاب همسر در چارچوب طبقه اجتماعی صورت می‌گرفت. بر این اساس هرکس ناگزیر بود همسرش را از میان طبقه خود انتخاب کند. و بر همین مبنا در فرهنگ هند و ایران آزمودن داماد قبل از ازدواج صورت می‌گرفت، اغلب به خاطر اهمیتی که برای برابری شأن و مقام، اصل و نسب و ثروت و دیگر ویژگی‌های اجتماعی قائل بودند، این آزمون‌ها برگزار می‌شد تا شخص مورد نظر ویژگی‌های مناسب اخلاقی و جسمانی برای ورود به یک طبقه اجتماعی را داشته باشد. و هم‌چنین برگزاری مراسم انتخاب همسر از سوی پدر دختر برگزار می‌شود. از جمله مراسمی که از سوی قیصر روم و جنک پدر سیتا برگزار می‌شود. دختران حق انتخاب در ازدواج دارند و با آن‌ها مشورت می‌شود. مانند تهمینه که نیمه شب به بالین رستم رفت و از او فرزندی خواست. و یا برانگیختن واسطه برای جلب مرد که دایه و پرستنده و یا گوینده‌ای ناشناس این وظیفه را به عهده می‌گیرد. و یا با اغوا و غلبه به زور بر مردان. تهمینه در ازای همخوابگی با رستم شرطی را که به جا خواهد آورد، باز دادن اسب رستم است و یا منیژه که بیژن را بیهوش کرد و او را با



خود به قصر برد. ولی در ازدواج‌های دائمی این حق یا تحت الشعاع اراده پدر قرار می‌گیرد و یا محدود است. که در آن اجازه ازدواج یکی به شکل تقاضای ازدواج از سوی خاندان دختر و یکی به شکل تقاضا از سوی مرد در آن دیده می‌شود. در ازدواج زال و رودابه، سیندخت مادر دختر از سام پدر خواست تا با این پیوند موافقت کند. ازدواج کتایون و گشتاسب نوعی سویم وره رقابتی است. در حقیقت سویم وره پیش از آن که نماد آزادی زنان طبقه اشراف باشد، وسیله‌ای در دست طبقه جنگجو برای تحکیم پیوندهای طبقاتی و سیاسی است. ازدواج با سرزمین بیگانه میان ایرانیان مرسوم بود. ازدواج با افرادی خارج از گروه اجتماعی فرصتی را فراهم می‌کند تا شبکه‌های اجتماعی گسترش یابد و درگیری بین گروه‌ها کمتر و اتحاد آن‌ها بیشتر شود. که گاهی عامل این ازدواج برون مرزی دل‌دادگی، یا مصلحت‌های سیاسی و یا کشش به سوی فرد هم‌سنگ و هم‌سان خود است. از آنجایی که در ایران باستان ویژگی‌های تخمه‌ای و نژادی از طریق خون مرد منتقل می‌شود، می‌توان بر آن بود که علت روی‌کرد حماسه‌مآلی ایران به پیوندهای برون همسری نشان دادن نوعی تسلط از سوی ایران بر سایر ملت‌هاست. به همین سبب است که در شاهنامه هیچ‌گاه دختر ایرانی با مردی انیرانی ازدواج نمی‌کند. دارا بودن ویژگی‌هایی چون پاک‌دامنی و نژاد و حیا و شرم زن و پوشیدگی و... برای زن مناسب و شایسته ازدواج، در هر دو فرهنگ مهم است. برای زنان هم شجاعت، دلیری و اصالت تبار و نژاد مرد برای ازدواج مهم است. این ویژگی را در هر دو حماسه می‌بینیم. که این موضوع به روشنی نشان می‌دهد، که به ازدواج و خانواده به عنوان یک نهاد فرهنگی و ارزشی نگریسته می‌شود که اخلاقیات سنگ بنای آن است. در رامایانا ازدواج بیشتر با انجام فرایض دینی و مذهبی همراه است. چون معتقدند که ازدواج امری مقدس است که با انجام آن نظام اجتماعی و خانواده قوام می‌یابد و اخلاق جامعه رو به تعالی می‌رود. صمیمانه‌ترین جمعی که یک هندو به آن تعلق دارد خانواده است. عمدتاً در درون خانواده است که درمه و قوانین اخلاقی و دینی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. چه در جریان طبیعی رشد و بالندگی از طریق عرف و سرمشق‌ها و چه به وسیله داستان‌ها و اسطوره‌ها که بسیار اخلاقی‌اند. و در خود آرمانی‌ترین روابط و وضعیت را شکل می‌دهند و یا به وسیله کتاب مقدس و احکام. نظام اخلاقی خانوادگی هندو بسیار مستحکم است به طوری که ساختار قدرت و نقش‌ها و مسؤولیت هر کدام از وابستگان معمولاً وفادارانه است.

بن‌مایه‌ها و اساس اولیه ازدواج در شاهنامه و رامایانا دارای وجوه مشترک و متفاوتی است که در میان آن برون مرز همسری و آزمون ازدواج دارای اشتراکات فراوانی در این دو فرهنگ

است. هر دو فرهنگ تلاش داشته‌اند تا هدف از سفرهای پهلوانان خود را توجیه کنند و از جانب دیگر بر انتخاب همسر توسط زن اصرار داشته‌اند.

پی نوشت

۱. ش، ج ۱، ص ۱۶۱ و ش، ج ۱، ص ۱۸۵
۲. ش، ج ۶، ص ۱۲۰
۳. ش، ج ۲، ص ۱۷۶ و ش، ج ۳، ص ۱۰۰
۴. ش، ج ۱، ص ۸۹
۵. ش، ج ۶، ص ۳۲۵
۶. ش، ج ۳، ص ۱۰۰ و ش، ج ۱، ص ۲۳۲ و ش، ج ۲، ص ۱۳۵
۷. ش، ج ۶، ص ۲۳



فهرست منابع

- بارتلمه، کریستین، (۱۳۳۷)، *زن در حقوق ساسانی*، ترجمه ناصرالدین صاحب الزمانی، چاپ ۱، تهران: موسسه مطبوعاتی عطایی.
- بهار، مهرداد، (۱۳۷۵)، *پژوهشی در اساطیر ایران*، چاپ ۱، تهران: نشر آگاه.
- پانی پتی، ملأ مسیح، (۲۰۰۹)، *رامایانا*، به اهتمام دکتر سید عبدالحمید ضیایی و پرفسور سید محمد یونس جعفری، چاپ ۱، دهلی نو: آلفا آرت.
- توسلی، محمد مهدی، (۱۳۹۴)، *تحولات شبه قاره هند*، چاپ اول، قم: انتشارات بین المللی المصطفی (ع).
- توسلی، محمد مهدی، (۱۳۹۷)، «بررسی مردم شناختی آیین‌های ازدواج در ایران و هند»، ۲ *فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان*، سال ۱۰، ش ۲۴، ص ۱۲۸-۱۰۹.
- جعفری، علی اکبر، (۱۳۹۵)، *ستوت یسن*، چاپ ۱، تهران: فروهر.
- حجازی، بنفشه، (۱۳۸۵)، *بررسی جایگاه زن از عهد باستان تا پایان دوره ساسانیان*، چاپ ۱، تهران: قصیده سرا.
- حسین زاده، بهاره، (۱۳۹۵)، «سویم وره رسم ازدواج طبقه جنگجوی هند و اروپایی»، *نشریه پژوهش‌های ایران‌شناسی*، سال ۶، شماره ۳، ص ۳-۴.
- حیدری، نگین، (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی شخصیت سودابه در شاهنامه فردوسی و لیدی مکبث در مکبث شکسپیر»، *فصلنامه زن و فرهنگ*، سال ۵، ش ۲۰، صص ۲۳-۴۰.
- دشتی، نصرالله، رضائی، مهدی، (۱۳۹۸)، «بررسی ساختار پیمان‌ها در آثار حماسی و پیوند آن با باورهای اسطوره‌ای و دینی»، *پژوهشنامه ادب حماسی*، دوره ۱۵، ش ۱، صص ۱۴۷-۱۱۹.
- دلاوری، پشنگ و هم‌کاران، (۱۴۰۱)، «ردیابی فرهنگ دخالت و نقش آن‌ها در ازدواج فرزندان در شاهنامه فردوسی»، *پژوهشنامه ادب حماسی*، دوره ۱۸، ش ۱، صص ۱۷۵-۱۵۱.
- دورانت، ویل، (۱۳۴۱)، *تاریخ تمدن*، ترجمه احمد آرام، ج ۱، تهران: اقبال،

- راوندی، مرتضی، *تاریخ اجتماعی ایران*، نشر دیجیتال مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، بی تا.
- شوالیه، ژان؛ گبریان، آلن، (۱۳۸۵)، *فرهنگ نمادها*، ترجمه سودابه فضائی، ج ۱ و ج ۶، تهران: جیحون.
- شهزادی، رستم، (۱۳۸۷)، *ماتیگان ۱۰۰۰ داستان*، چاپ ۳، تهران: فروهر.
- صادقی، معصومه، (۱۳۹۸)، «تحلیل سیر شخصیت قهرمان در ۱ داستان عاشقانه- قهرمانی از منظر نقد روان‌شناسی (بر مبنای مطالعه موردی داستان بیژن و منیژه)»، *پژوهشنامه ادب حماسی*، دوره ۱۵، ش ۲، صص ۲۲۰-۱۹۵.
- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۶)، *شاهنامه*، ج ۷ و ۸، تصحیح جلال خالقی مطلق، چاپ اول، تهران: ناشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- فریزر، جیمز جرج، (۱۳۸۳)، *شاخه زرین* (پژوهشی در جادو و دین)، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران: آگاه.
- کیا، خجسته، (۱۳۷۱)، *سخنان سزاوار زنان در شاهنامه پهلوانی*، چاپ اول، تهران: فاخته.
- گروسه، رنه، (۱۳۴۶)، *تمدن ایرانی*، ترجمه عیسی بهنام، چاپ ۱، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- محصل، محمدتقی، (۱۳۶۶)، *گزیده‌های زاد اسپرم*، چاپ ۱، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مختاریان، بهار، (۱۳۸۷)، «موی بریدن در سوگواری»، *نامه فرهنگستان*، سال ۱۰، شماره ۴، صص ۵۵-۵۰.
- مزداپور، کتایون، (۱۳۸۳)، *داغ گل سرخ و ۱۴ گفتار دیگر درباره اسطوره*، چاپ اول، تهران، اساطیر.
- ویرزیل، پولوس، (۱۳۶۹)، *آنه اید*، ترجمه میر جلال الدین کزازی، چاپ اول، تهران: نشر مرکز.
- هینلز، جان، (۱۳۶۸)، *شناخت اساطیر ایران*، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، چاپ ۱، بابل: چشمه.



-
- **Bartholmeh**, Christian, (1337), **Women in Sasanian Law**, trans. Naseruddin Sahib al-Zamani, 1st ed, Tehran: Atai Press Institute. [in persian]
 - **Bahar**, Mehrdad, (1375), **A Research in Iranian Mythology**, 1st ed, Tehran: Aghah. [in persian]
 - **Pani Patti**, Mulla Masih, (2009), **Ramayana**, Ed. Dr. Syed Abdul Hameed Ziyai and Professor Syed Muhammad Yunus Jafari, 1st edition, New Delhi: Alpha Art. [in persian]
 - **Tavassoli, Mohammad Mahdi**, (2014), **Changes in the Indian Subcontinent**, 1st ed, Qom: Al-Mustafa International. [in persian]
 - **Tavassoli, Mohammad Mahdi**, (2017), "Anthropological study of marriage rituals in Iran and India", *Quarterly Journal of Sistan and Baluchistan University Subcontinent Studies*, 10th year, No. 24. 109-128. [in persian]
 - **Jafari, Ali Akbar**, (1395), **Sotot Yasan**, 1st ed, Tehran: Forohar. [in persian]
 - **Hijazi, Banafsheh**, (2006), **Investigation of the status of women from ancient times to the end of the Sassanid period**, 1st ed, Tehran: Qaseida Sera. [in persian]
 - **Hosseinzadeh, Bahareh, Swaim and the custom of marriage between the Indo-European warrior class**, *Iranology Research Journal*, Year 6, No. 3, Fall and Winter 2015, 3-4. [in persian]
 - **Heydari, Negin**, (2013), **A Comparative Study of the Character of Sudabeh in Ferdowsi's Shahnameh and Lady Macbeth in Shakespeare's Macbeth**, *Quarterly Journal of Women and Culture*, Year 5, No. 20, 23-40. [in persian]
 - **Dashti, Nasrallah, Rezaei, Mehdi**, (2018) **Examining the structure of contracts in epic works and their connection with mythological and religious beliefs** *Research Journal of Epic Literature*, series. 15, No. 1, 119-147. [in persian]
 - **Delavari, Peshang et al.**, (1401), **Tracing the culture of interference and its role in the marriage of children in Ferdowsi's Shahnameh**, *Adab Hamasi Research Journal*, Series. 18, No. 1, 151-175. [in persian]
 - **Durant, Will**, (1341), **History of Civilization**, trans. Ahmad Aram, Vol. 1, Tehran: Iqbal. [in persian]
 - **Ravandi, Morteza**, **Social History of Iran**, Digital Publication of Qaemieh Computer Research Center, Isfahan: Bita. [in persian]
 - **Chevalier, Jean**; Garbaran, Alan, (2006) **The Dictionary of Symbols**, trans. Sudaba Fadaeli, Vols 1,6, Tehran: Jayhoon. [in persian]

-
- **Shahzadi, Rostam**, (1387, **Matikan Hazar Datestan**, 3rd ed, Tehran: Forohar. [in persian]
 - **Sadeghi, Masoumeh**, (2018), **Analyzing the hero's character in a romantic-heroic story from the point of view of psychological criticism (based on a case study of the story of Bijan and Manijeh)**, Adab Hamasi Research Journal, Series 15, No. 2, . 195-220. [in persian]
 - **Ferdowsi, Abulqasem** (1386). **Shahnameh**, by the effort of Jalal Khaleghi Mutalaq, vols. 7,8, 1st ed, Tehran: publisher of the center of Islamic encyclopedia. [in persian]
 - **Frazer, James George**, (2013) **The Golden Bough** (Research on Magic and Religion), trans. Kazem Firouzmand, Tehran: Aghaz. [in persian]
 - **Kia, Khajasteh**, (1371), **Women's invaluable words in Pahlavani section of Shahnameh**, 1st ed. Tehran: Fakhte. [in persian]
 - **Grosse, Rene**, (1346), **Iranian Civilization**, trans. Isa Behnam, 1st ed, Tehran: Book Translation and Publishing Company. [in persian]
 - **Mohsal, Mohammad Taqi**, (2016), **Selections from Zad Sperm**, 1st ed., Tehran: Institute of Cultural Studies and Research. [in persian]
 - **Mukhtarian, Bahar**, (2007), **Cutting Hair in Mourning**, Nameh Farhangistan, 10th year, No. 4, .55-50. [in persian]
 - **Mazdapour, Ketayoun**, (1383), **Dagh Gol Soreh and fourteen other Sayings about Myth**, 1st ed, Tehran, Asatir. [in persian]
 - **Virgil, Paulus**, (1369), **Aneid**, trans. Mir Jalal al-Din Kazzazi, 1st ed, Tehran: Markaz. [in persian]
 - **Hinels, John**, (1368), **Knowledge of Iranian Mythology**, trans. Jaleh Amoozgar and Ahmad Tafazoli, 1st ed, Babol: Cheshmeh. [in persian]